

خبر عظیم (النَّبَا الْعَظِيم)؟!؟

«توی یک جمع بی حوصله نشسته بودم، طبق عادت همیشگی مجله را ورق می‌زدم تا به جدول رسیدم. همین که توی دلم خواندم سه عمودی، یکی گفت بلند بگو! گفتم یک کلمه سه حرفیه که از همه چیز برتر است؛ حاجی گفت: پول. تازه عروس گفت: عشق. شوهرش گفت: یار. کودک دبستانی گفت: علم. حاجی پشت سر هم گفت: پول، اگه نمیشه طلا، سکه. گفتم حاجی نمیشه گفت: پس بنویس: مال. گفتم باز نمیشه. گفت: جابه. خسته شدم با تلخی گفتم: نه نمیشه!، دیدم همه ساکت شدند....»

مادر بزرگ گفت: مادر جان: «عُمَر». سیاوش که از سربازی آمده بود گفت: کار. دیگری خندید و گفت: وام، یکی از آن وسط بلند گفت: وقت. یکی گفت: آدم.... خنده تلخی کرم و گفتم "نه، اما فهمیدم تا شرح کامل جدول زندگی کسی را نداشته باشی، حتی یک کلمه سه حرفی آن هم درست در نمی آید!، بدون آن همه چیز بی معنا است! هرکس جدول زندگی خود را دارد.

هنوز به آن کلمه سه حرفی جدول خودم فکر می‌کنم. شاید کودک پا برهنه بگوید: کفش، کشاورز بگوید: برف، لال بگوید: حرف، ناشنوا بگوید: صدا، نابینا بگوید: نور. من هنوز در فکرم که چرا کسی نگفت: خدا! (از نوشته‌های صادق هدایت)

سی امین جزء قرآن هم که معمولاً در مدارس و مساجد آموزش داده می‌شد، «عَمَّ جزء» نامیده می‌شود که اولین سوره‌اش نامی سه حرفی دارد: «نَبَا»! که مثل متن فوق، منکران را در باره‌اش به چوَن و چرا واداشته بود!

این سوره که در دومین سال بعثت، پس از سوره‌های تکان دهنده در باره قیامت (ذاریات، طور، غاشیه، طارق، انفطار، تکویر، نازعات، معارج، مرسلات) نازل شده بود، مخاطبان بت پرست دوران جاهلیت را که تازه با سخنان رسول(ص) آشنا می‌شدند و در عمرشان چنین مطلب عظیمی درباره آینده جهان نشنیده و ذهنشان از شهر دور افتاده مکه و قبیله‌شان فراتر نرفته بود، حیرت زده و ناباور درباره این سخن بی‌سابقه درباره آینده جهان (که حدود ۹٪ آیات نازل شده در این یکسال و نیم به آن اختصاص داشت)، از یکدیگر پرسش می‌کردند!

سوره با این سؤال آغاز می‌شود: درباره چه چیزی از هم می‌پرسند؟ «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ؟»

و خود پاسخ می‌دهد: از خبری بسیار بزرگ: «عَنِ النَّبَا الْعَظِيمِ»، خبری که در آن با هم اختلاف دارند: «الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ»

خیر! چنین نیست، به زودی خواهند فهمید: «كَلَّا سَيَعْلَمُونَ»، بعدها نیز چنین نیست، به زودی خواهند فهمید «ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ»

آنگاه برای رفع ابهام از انکارشان، به جای توسل به بحث‌های فلسفی، کلامی، علمی و عرفانی، ذهنشان را با ده سؤال مهم متوجه آثار ربوبیت خدا در طبیعت و واقعیات پیرامونشان می‌نماید:

آیا ما نبودیم که زمین را بستری (برای زندگی شما) قرار دادیم: «أَلَمْ نُجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا؟» و کوه‌ها را همچون میخ‌هایی (برای تثبیت خشکی ها بر طبقات زیرین) قرار دادیم: «وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا؟» و شما را جفت‌های (زن و مرد) آفریدیم: «وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا؟» و خوابتان را تعطیل (کار روزانه) قرار دادیم: «وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا؟» و شب را پوششی (برای استراحت) قرار دادیم: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا؟» و روز را (هنگام تلاش برای) معاش: «وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا؟» و بر فرازتان هفت (لایه جو حفاظتی) محکم بنا کردیم: «وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا؟» و چراغی پرتوافکن (خورشید) قرار دادیم: «وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا؟» و از فشرده‌ها (ابرهای مترکم) آبی پی در پی نازل کردیم: «وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا؟» تا بدان آب دانه و گیاه (از زمین) برون آوریم و باغ و بستان‌هایی انبوه برویانیم: «لِيُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا؟»

پس از این سؤالات، ثَمَل و تدبیر در آن‌ها را وسیله‌ای می‌شمارد برای پاسخ زیر به چپستی همان سؤال سه حرفی: «نَبَا»!

مسلماً روز فصل (جدایی انسان‌ها برحسب اعمال)، سر رسید و میقاتی است (در زمان و مکانی معین) «إِنَّ يَوْمَ الْقِيَامِ كَانَ مِيقَاتًا».

سؤال اصلی این سوره «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ؟»، نه تنها برای مخاطبان ۱۴ قرن پیش، بلکه برای نسل امروز، به رغم پیشرفت‌های علمی همچنان مطرح است که باید به تحقق و عده «ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ»، منتظر ماند.

این سؤال بند دوم همان سؤالی است که صادق هدایت درباره مسلمانان زمان خود مطرح کرده بود؛ «چرا کسی نگفت خدا؟»

اگر «این خبر عظیم» برای مخاطبان غافل آن زمان اصلاً مطرح نبود، ما نیز که از آگاه هستیم باید از خود بپرسیم، به راستی آگاهی از این خبر چقدر در زندگی دنیایی ما تاثیر داشته و چقدر به فکر تدارک آن هستیم؟

این خانه جاوید (دارالخلد)، همان خبر عظیم «میقات یوم الفصل»، به نام های متفاوتی در قرآن آمده است:

یوم الفصل، یوم الوقت المعلوم، یوم الازفه، یوم التلاق، یوم البعث، یوم نحشهم، یوم الجمع، یوم الحساب، یوم الدین، یوم تبلی السرائر، یوم یقوم الناس لرب العالمین، یوم التغابن، یوم الحسره، یوم الموعود، یوم القیمه، یوم عظیم، یوم الوعید، یوم لاریب فیه و.... اما نامی که بیش از همه نام های آن خبر عظیم در قرآن آمده، «یوم الاخره» است، «آخر» یعنی دیگر، در برابر «اول» یعنی همان «دنیا» قرار دارد:

ضحی ۴ - «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى»

لیل ۱۳ - «وَإِنَّا لَنَأْتِيَنَّكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى»

نجم ۲۵ - «قُلْهُ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى»

قصص ۷۰ - «لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ...»

از شگفتی های آماری قرآن، تکرار مساوی ۱۱۵ مرتبه کاربرد هریک از کلمات: «دنیا و آخرت» است! جالب این که کلمه «آخر» نیز ۲۸ بار و کلمه «اول» به اضافه «اولی» (در اتصال با آخره) درست ۲۸ = ۵ + ۲۳ می باشد!

شاید سخن گفتن از آخرت برای جمعی که به آن «معتقد» هستند، کاری عبث به نظر آید، اما خدا از ما اعتقاد به آخرت نخواست است! و اصولاً مفهوم اعتقاد در فرهنگ قرآن بیگانه است، آنچه توصیه کرده، «یقین» به آخرت، آنهم یقینی مستمر و فزاینده در تمام عمر و تحصیل آن، همچون تحصیل علم از دبستان تا دانشگاه و تحقیقات پس از آن! یقینی آن چنان که به قطعیت مرگ داریم (مدثر ۴۷، حجر ۹۹ و تکوین ۷۰).

با این تفاوت که «آخرت» فقط تئوری و باور علمی نیست، آمادگی، برنامه ریزی، تدارک و تهیه توشه برای آن است، مثل بقیه سفرها، اما سفری بدون بازگشت به مقصد ابدیت، در بهشت یا دوزخ؟

بُعد زمانی در باور انسان ها

ما هر لحظه در حال بعثت و برانگیختگی برای چنین روز عظیمی هستیم؛ روزی که مردم در پیشگاه رب العالمین برمی خیزند:

مطففین ۴ تا ۶ - «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»

کودکان در بدو تولد در «زمان حال» زندگی می کنند، حافظه ضعیفی دارند؛ نه اخم دیروز را به یاد می آورند و نه وعده فردا را باور می کنند، نسیه را نمی پذیرند، هر وعده ای باید نقد و فوری باشد. به همان نسبتی که بزرگ می شوند، بُعد زمانی ذهنشان گسترش می یابد، کم دیروز به خاطرشان می ماند و فردا باورکردنی می شود و این بُعد به تدریج گسترش می یابد، اکثریت مردم وعده های مادی و ملموس دنیایی را می پذیرند و برنامه ریزی های کوتاه و بلند مدت دنیایی برای کار و کسب و علم و تجربه می کنند.

اقلیتی هم وعده و وعیدهای نادیدنی (بیم و امید، بشارت و اندازهای) پروردگارشان را باور می کنند، این بُعد زمانی خود را بیشتر گسترش می دهند و مرزهای زمان و مکان را می شکافند، مثل به بلوغ رسیدگان: ابراهیم و فرزندان بینا و برومندش در بوستان توحید: که فرمود: «ما آنها را به یاد خالص «خانه» (ابدی) خالص کرده بودیم «إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذُكِّرَى الدَّارِ» (ص ۴۶).

نه آن که تارک دنیا و درویش بودند، خیر، وابسته و اسیر آن نبودند، از ظاهر دنیا سکویی ساخته بودند برای آخرت. باطن آن، باطل و بیهوده نبودن آفرینش را شناختند و رو به سوی آفریننده آن بردند.

چرا کسانی آخرت را باور نمی‌کنند؟

جاذبه های فریبنده دنیا، وسوسه های شیطانی و هوای نفس و مشغول شدن به رقابتهای دنیایی مجالی باقی نمیگذارد که به پس آن ببینند، در این رزگار نیز «احساس بی نیازی از خدا» به غرور «علم»، طغیان سرمایه و قدرت و فریب را پدید آورده است:

نه چنین است؛ انسان حتما طغیان می‌کند، هرگاه خود را بی نیاز ببیند!
علق ۶ و ۷ - «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»

دلایلش را آیات زیادی در قرآن، از جمله چند آیه زیر توضیح می‌دهد:

این مردم (دنیای) به شتاب گذرنده را دوست دارند و پشت سرشان روزی سنگین را رها کرده‌اند.
انسان ۲۷ - «إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا»

بلکه علم آنان (منکران) درباره آخرت، به درک آن نرسیده است، بلکه آنها درباره آن شک دارند، بلکه از (فهم) آن نابینا هستند.
نمل ۶۶ - «بَلَىٰ أَدَارَكَ عَلَيْهِمُ الْيَوْمَ الْآخِرَةُ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ عَنْهَا غَافِلُونَ»

به کسی که از یادآوری ما (یکتایی خدا) پشت می‌کند و جز زندگی دنیا را نمی‌خواهد کار نداشته باش، این سقف علم (بلوغ دانش) آنهاست.
نجم ۳۰ - «فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمُ مِنَ الْعِلْمِ...»

آنها به ظاهری از زندگی دنیا علم دارند و از آخرت (باطن) دنیا غافلند.
روم ۷ - «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»

چرا یقین به آخرت مهم است؟

به خاطر عظمت و اهمیت آن در ارتباط با سرنوشت ابدی و خانه سعادت یا شقاوتی که به آن وارد می‌شویم.

به خاطر جایگاه مهمی که در جهان بینی قرآنی پس از ایمان به خدا داراست.

به خاطر آنکه دنیا دار فنا و «دون» است و آخرت دار بقاء و «عالی» است.

به خاطر آنکه نزول قرآن با آیات مربوط به رستاخیز قیامت آغاز شده و حدود ۹۰٪ آیات سه سال اول بعثت درباره آن است.

به خاطر آنکه در آغاز سه سوره با حروف مقطعه قرآن یقین آوری مستمر به آخرت را از شروط سه گانه: تقوی، ایمان و احسان شمرده است:

بقره - «الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ... وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»

نمل - «طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِّلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ... وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»

لقمان - «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ الَّذِينَ... وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»

این «علم‌الیقینی» است که پیش از رسیدن به «عین‌الیقین» به ناچاری قیامت باید در مدت عمر به آن رسید:

چنین نیست، اگر علم یقین داشتید، حتما دوزخ را می‌دیدید، سپس آن را به چشم یقین می‌دیدید.

تکواثر ۵ تا ۷ - «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوْهَا عَيْنَ الْيَقِينِ»

خدا همه را در راهی که برگزیده‌اند مدد می‌رساند!

تصور اغلب مردم بر آن است که خدا مانع رسیدن دنیا طلبان به اهداف خود می‌شود، اما دنیا مزرعه‌ای است که هرکس کشت خود را درو می‌کند. نگاه کنید به برخی شواهد این رحمت.

هرکه ثواب دنیا خواهد، از آن به او می‌دهیم و هرکس ثواب آخرت خواهد از آن به او می‌دهیم و به زودی شاگردان را پاداش می‌دهیم.
آل عمران ۱۴۵ - «مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ»

هرکه همواره کشت آخرت طلب کند در کشتش می‌افزاییم، و هرکه کشت دنیا طلب کند از آن به او می‌دهیم و او را در آخرت نصیبی نیست.
شوری ۲۰ - «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»

هرکه همواره دنیای به شتاب گذر را خواهد، ما نیز به مشیت خود برای آن‌که خواهیم شتاب می‌کنیم، سپس جهنم را برای او قرار می‌دهیم که مذمت شده و مطرود به آن درآید و هرکه آخرت را طلب کند و برای آن تلاش متناسب با آن انجام دهد، مشروط بر آن که مومن باشد، تلاش آنان نیز به ثمر خواهد نشست. ما به همه مدد می‌رسانیم؛ هم آنان (دنیا طلبان) و هم اینان (آخرت طلبان) و عطای پروردگارت (از هیچکس) بازداشته نیست.

اسری ۱۸ تا ۲۱ - «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْهُورًا وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا كَلَّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا»

نکاتی مهم در باره آخرت:

۱- خانه آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که قصد برتری جویی و فساد در زمین نمی‌کنند.
قصص ۸۳ - «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»

۲- این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست و خانه آخرت همان حیات حقیقی (بدون مرگ) است، ایکاش می‌دانستید.
عنکبوت ۶۴ - «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»

۳- این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد، باشد در دنیا و آخرت تفکر کنید.
بقره ۲۱۹ و ۲۲۰ - «...كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...»

۴- آیا کسی که نیمه‌های شب فروتنانه به حالت سجده و قیام از (عواقب) آخرت خود را برکنار می‌دارد و رحمت پروردگارش را امیدوار می‌شود، آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند مساوی‌اند؟ تنها خردمندان یادآور (این حقیقت) می‌شوند.
زمر ۹ - «مَنْ هُوَ قَائِمٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةً رَبِّهِ فَلَهُ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»

طیف مردم در برابر آخرت!

۱- انکار مطلق

زنده شدن پس از مرگ و ادامه حیات در شرایطی دیگر متناسب با نیک و بد اعمال را دروغ شمردن.

مؤمنون ۳۵ تا ۳۷ - «أُبَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ»

۲- احتمال ضعیف

قدرت، ثروت، موقعیت و مقام دنیایی امروز خود را ملاک سرنوشت آخرت پنداشتن.

کهف ۳۶ - «وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأُجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا»

۳ - باور خیالی و خودخواهانه

تصور قوم ویژه خدا بودن و مصونیت از عذاب، تضمین واسطه‌گی و شفاعت پیامبران.

۱-۳ یهودیان: آل عمران ۲۴ - «...قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْقَرُونَ»

۲-۳ مسیحیان: مائده ۱۸ - «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ... بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ»

۳-۳ مسلمانان: نساء ۱۲۳ - «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلُ الْكِتَابِ مَن يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا»

۴ - یقین قلبی

باور یقینی قیامت، همچون دیدن با چشم.

وصف متقین، مؤمنین و محسنین: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره ۴، نمل ۳، لقمان ۴)

دعای ابراهیم^(ع): «وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ وَاعْفُ عَنِّي يَا أَبَتِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء ۸۵ تا ۸۹)

وصف مصلین: «وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بَيِّمَ الدِّينِ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ» (معارج ۲۶ تا ۲۸)

وصف عبدالرحمن: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا» (فرقان ۶۵ و ۶۶)

دعای اولوالباب: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّكَ مِنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (آل عمران ۱۹۱ و ۱۹۲)

دعای راسخون در علم: «رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران ۹)

توصیه به همگان: «وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره ۲۰۱)

فرمان به پیامبر^(ص): «قُلْ مَا كُنْتُ بِدُعَا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أُدْرِي مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ...» (احقاف ۹)

آیا آخرت طلبی، ترک دنیاست؟

اعراف ۳۱ تا ۳۳ - «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنٌ وَالْبِغْيَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

حدید ۲۷ - «...وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا...»

قصص ۷۷ - (سخن مردم به قارون): «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»

زخرف ۳۳ تا ۳۷ - «وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُفْهًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرَرًا عَلَيْهَا يَتَّكُونَ وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاغَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ»

آخرت در ادیان ابراهیمی

درک «گستره زمانی» ذهن آدمیان نسبت به تاریخ گذشته و آینده بشر، تابع میزان رشد بینش و دانش آنها است، از طرفی میان هریک از سه پیامبر بزرگ شرایع ابراهیمی (موسی، عیسی و محمد علیهم السلام)، فاصله زمانی زیادی بوده است که احتمال می‌دهند میان پیامبر نخست و دوم حدود ۱۹۰۰ سال و میان دوم و سوم ۶۲۰ سال گذشته و مسلماً در این زمان طولانی رشد عقلی و آمادگی بشر برای قبول رستاخیز پس از مرگ و زندگی جاوید بعدی به تدریج افزایش یافته است.

هرچند ابراهیم خلیل و فرزندان و نوه‌اش (اسماعیل، اسحق و یعقوب) که حدود ۳۴ قرن قبل می‌زیستند خالصانه به فکر آخرت بودند (سوره ص ۴۶)، اما قلیلی از امت‌های آنان به چنین بینشی رسیده بودند و به همین دلیل امروز اعتقاد به آخرت را در میان یهودیان کم رنگ تر از مسیحیان، و مسیحیان را کم‌رنگ‌تر از مسلمانان می‌بینیم.

بیش از ۶۰٪ آیات نازل شده قرآن تا سه سال نخست بعثت را موضوع قیامت تشکیل می‌دهد (مابقی شامل: توحید، نبوت، جهاد، احکام، خلقت، امت‌های گذشته و...) تشکیل می‌دهد. و قرآن با قیامت، نه با توحید و نبوت آغاز شده است! از آیات قرآن در باره دو شریعت پیشین معلوم می‌شود در تعالیم آن دو پیامبر اولوالعزم نیز مسئله آخرت مطرح بوده است، هرچه پیروان کمتر آنرا درک و نقل کرده‌اند.

با تحقیقی در تورات، و به خصوص در انجیل می‌توان آیاتی درباره آخرت و بهشت و دوزخ را استخراج کرد، ذیلاً آیاتی از قرآن را که ناظر به مطرح بودن جدی این مسئله در آن دو شریعت است ملاحظه می‌کنید:

موسی و آخرت

طه ۱۲ تا ۱۵ - «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ»

اعراف ۱۵۶ - «وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ وَكُتِبَ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ...»

بقره ۱۱۱ - «قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

عیسی و آخرت

مائده ۷۲ - «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ»

آل عمران ۵۵ - «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْهَبْ إِلَى الْيَهُودِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكَ مِنْهُنَّ وَخُذْ إِلَيْهِمْ هَاجِرًا وَقُلْ إِنِّي لَأَمْلَأُ جَهَنَّمَ بَرِيئًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنَّ اللَّهَ مُخْلِصُهُمْ فِيهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»

هشدارهای قیامت

انبیاء ۱ تا ۳ - «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ لَأَهْنِئَهُمْ فُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ»

لقمان ۳۳ - «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَاحْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ»

حشر ۵۹ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

فجر ۲۳ - «...يَوْمَئِذٍ يَنْذِكُرُ الْإِنْسَانَ وَأَتَىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي»

عبس ۳۴ - «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ»

نبل ۴۰ - «...يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَّا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا»

قیامت نزدیک است

معارج ۱، ۵ و ۶ - «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ...إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَتَرَاهُ قَرِيبًا»

ق ۴۱ - «وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»

از نهج البلاغه امام علی (ع)

خطبه ۱۳۰ بند ۴ - «كُلُّ مَعْدُودٍ مُنْقَضٌ وَكُلُّ مُتَوَقَّعٍ آتٍ، وَكُلُّ آتٍ قَرِيبٌ دَانَ»

خطبه ۱۸۸ بند ۸ - «فَإِنَّ غَدًا مِنَ الْيَوْمِ قَرِيبٌ مَا أَسْرَعَ السَّاعَاتِ فِي الْيَوْمِ، وَأَسْرَعَ الْأَيَّامِ فِي الشَّهْرِ، وَأَسْرَعَ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ، وَأَسْرَعَ السِّنِينَ فِي الْعُمُرِ»

نامه ۳۱ به امام حسن - «وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ، أَنَّ مَنْ كَانَتْ مَطِيبَتُهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ فَإِنَّهُ يُسَارُ بِهِ وَإِنْ كَانَ وَاقِفًا، وَيَقْطَعُ الْمَسَافَةَ وَإِنْ كَانَ مُقِيمًا وَادِّعًا»

خطبه ۲۰۳ - «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ، وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ، وَلَا تَهْتَكُوا اسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ، وَ أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُخْرَجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ. فَفِيهَا اخْتِبرْتُمْ، وَلِغَيْرِهَا خُلِقْتُمْ»

خطبه ۱۱۴ - «وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا نَقَصَ مِنَ الدُّنْيَا وَزَادَ فِي الْآخِرَةِ خَيْرٌ مِمَّا نَقَصَ مِنَ الْآخِرَةِ وَزَادَ فِي الدُّنْيَا. فَكَمْ مِنْ مَنْقُوصٍ رَاحٍ، وَ مَزِيدٍ خَاسِرٍ»